تازه‌های اقتصاد
چهارشنبه ۲۰ خرداد ۱۴۰۵ شماره ۵۲

بانک مرکزی مخالف افزایش کالابرگ نیست

این روزها خبرهای متفاوتی از کالابرگ به گوش می‌رسد. از یک سو برخی خواستار افزایش مبلغ کالابرگ با توجه به تورم هستند و از سوی دیگر برخی افزایش مبلغ آن را هیزمی بر آتش تورم می‌دانند که به فاصله چند هفته افزایش مبلغ کالابرگ را عملا بی‌اثر می‌کند.

این گمانه‌زنی‌ها در همه بخش‌ها از رسانه گرفته تا سطوح بالای دولت وجود دارد. با این حال، در بخشی از فضای رسانه‌ای و تحلیلی کشور، این برداشت مطرح شده که بانک مرکزی با افزایش مبلغ کالابرگ یا توسعه سیاست‌های حمایتی مرتبط با آن مخالفت دارد.

در حالی که بررسی مواضع رسمی این نهاد نشان می‌دهد چنین ادعایی دقیق نیست و بیشتر ناشی از خلط میان ملاحظات کارشناسی درباره شیوه تأمین مالی و اصل سیاست‌های حمایتی دولت است.

در واقع، این نهاد نه‌تنها مخالفتی با سیاست‌های حمایتی معیشتی ندارد، بلکه آن را بخشی ضروری از سیاست‌گذاری اقتصادی در شرایط فعلی کشور می‌داند. تمرکز اصلی بانک مرکزی بر این موضوع است که سیاست‌های حمایتی باید به‌گونه‌ای طراحی و اجرا شوند که در کنار حمایت از معیشت خانوارها، منجر به ایجاد فشار تورمی جدید در اقتصاد نشوند.



یادداشت روز

حذف ارز ترجیحی متهم واقعی گرانی یا قربانی یک روایت اشتباه؟

■ موسی احمدزاده نائب
رئیس کمیسیون اقتصاد اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران

واقعیت این است که ارز ترجیحی از ابتدا قرار بود ابزاری برای حمایت از مردم باشد؛ سیاستی که با تخصیص دلار ارزان به واردات کالاهای اساسی، قرار بود قیمت‌ها را کنترل کند و فشار را از دوش مردم بردارد. اما در عمل، این سیاست به یکی از بزرگ‌ترین بسترهای رانت، فساد و توزیع ناعادلانه منابع تبدیل شد.

حذف ارز ترجیحی تصمیمی بود که حتی دیر هم گرفته شد. چراکه سال‌ها منابع کشور با نرخ ارزان در اختیار گروه‌های خاص قرار گرفت، اما بخش زیادی از آن هرگز به مصرف‌کننده نهایی نرسید. در واقع یارانه‌ای که باید سر سفره مردم می‌آمد، در میانه زنجیره توزیع گم شد.

در سال‌هایی که ارز ۴۲۰۰ یا ۲۸۵۰۰ تومانی پرداخت می‌شد، بارها شاهد بودیم کالاهایی که با ارز دولتی وارد کشور شدند، یا با قیمت آزاد به دست مردم رسیدند یا اصلا سر از بازارهای دیگر درآوردند. همین مسئله باعث شد پدیده‌ای به نام قاچاق وارونه شکل بگیرد؛ یعنی کالاهایی که با ارز یارانه‌ای وارد شده بودند، دوباره به دلیل اختلاف قیمت از کشور خارج یا در بازار غیررسمی معامله شوند.

حذف ارز ترجیحی حداقل توانست بخشی از این رانت و فساد را کاهش دهد. با این حال هنوز بخشی از جامعه هر موج گرانی را مستقیما به این سیاست نسبت می‌دهد؛ در حالی که اقتصاددانان معتقدند ریشه اصلی تورم در جای دیگری است.

ادامه مطلب را در لینک بخوانید

پیشرفت نهضت ملی مسکن در شهرهای جدید به ۳۹.۴ درصد رسید

۴۱ هزار میلیارد تومان از مطالبات گندمکاران پرداخت شد

تجارت ایران با اوراسیا در نخستین سال اجرای تجارت آزاد ۲۲ درصد افزایش یافت

شاخص کل بورس در یک قدمی فتح ارتفاع ۴.۶ میلیون واحد قرار گرفت

تازه‌های اقتصاد
چهارشنبه ۲۰خرداد ۱۴۰۵ شماره ۵۲

گره زدن تمام گرانی‌ها به حذف ارز ترجیحی بی‌انصافی سیاسی است



سعید باستانی کارشناس اقتصادی و نماینده اسبق مجلس، با اشاره به مباحث مطرح‌شده پیرامون حذف ارز ترجیحی و ارتباط آن با تورم و گرانی‌های اخیر اظهار کرد: «بحث چندنرخی بودن ارز، همواره یکی از بسترهای شکل‌گیری ناکارآمدی و رانت در اقتصاد ایران بوده است. مسئله اصلی این است که آیا مابه‌التفاوت ارزی که دولت برای کالاهای اساسی پرداخت می‌کند، واقعا به سفره مردم می‌رسد یا خیر؛ موضوعی که تجربه چند دهه اخیر کشور نشان داده در بسیاری از موارد محقق نشده است.»

وی ادامه داد: «ارز ترجیحی زمانی معنا و کارکرد واقعی دارد که حکومت بتواند از لحظه تخصیص ارز تا رسیدن کالا به دست مصرف‌کننده، زنجیره توزیع را به‌گونه‌ای مدیریت کند که آثار آن ارز ارزان قیمت در قیمت نهایی کالا دیده شود. به‌عنوان مثال وقتی برای خوراک دام، کنجاله سویا و انواع کالاهای اساسی دلار ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی تخصیص داده می‌شود، باید این تفاوت قیمت از مبدا واردات تا سر سفره مردم قابل مشاهده باشد.»

سخنگوی کمیسیون صنایع و معادن مجلس دهم تصریح کرد: «اما تجربه اقتصاد ایران، به‌ویژه از پایان جنگ تحمیلی در سال ۱۳۶۷ تا امروز، نشان داده که این اتفاق عملا رخ نداده است. همواره فاصله میان نرخ ترجیحی و نرخ واقعی بازار، زمینه شکل‌گیری رانت را فراهم کرده و گروه‌هایی به این رانت‌ها متصل شده‌اند، در حالی که کالا نهایتاً با قیمت‌های بالا به دست مردم رسیده است.»

باستانی با اشاره به همزمانی حذف ارز ترجیحی با تحولات گسترده سیاسی و اقتصادی کشور خاطرنشان کرد: «کشور طی یک سال گذشته درگیر جنگ مستقیم، جنگ رمضان، فشارهای امنیتی و محاصره دریایی بوده است. با وجود تمام این شرایط، امروز در کشوری با وسعت ایران و با بیش از هزار و چهارصد شهر و هزاران روستا، اگر وارد فروشگاهی شوید تقریباً هیچ کالایی نیست که بخواهید و آن را پیدا نکنید. این مسئله را باید از بحث قیمت تفکیک کرد؛ چراکه در بسیاری از کشورها در شرایط جنگی، اساساً کالایی وجود ندارد و کشور دچار قحطی می‌شود.»

سیاست‌گذار پولی قاره سبز در آستانه اتخاذ تصمیم دشوار

نرخ بهره بانک مرکزی اروپا بالا می‌رود

انتظار می‌رود بانک مرکزی اروپا روز پنج‌شنبه برای مهار فشارهای تورمی ناشی از افزایش قیمت انرژی، نرخ‌های بهره را بار دیگر افزایش دهد.

برخلاف فدرال رزرو آمریکا که علاوه بر کنترل تورم، اشتغال را نیز در مأموریت خود دارد، بانک مرکزی اروپا تنها یک هدف اصلی را دنبال می‌کند: حفظ نرخ تورم در نزدیکی سطح هدف ۲ درصدی. با این حال، تازه‌ترین آمارها نشان می‌دهد هم تورم عمومی و هم تورم هسته در منطقه یورو روندی صعودی پیدا کرده‌اند.

تورم سالانه منطقه یورو در ماه آوریل به ۳.۲ درصد رسید؛ افزایشی که عمدتاً ناشی از جهش ۱۰.۹ درصدی قیمت انرژی نسبت به مدت مشابه سال گذشته بود. منطقه یورو به دلیل وابستگی بالا به واردات انرژی، از جمله مناطقی است که بیشترین آسیب را از افزایش قیمت نفت ناشی از جنگ ایران متحمل شده است.

در همین حال، تورم هسته که قیمت انرژی و مواد غذایی را در محاسبات خود لحاظ نمی‌کند نیز به ۲.۵ درصد افزایش یافت. افزایش هزینه خدمات عامل اصلی این رشد بوده و از نگاه سیاست‌گذاران اروپایی می‌تواند نشانه‌ای از شکل‌گیری «اثرات دور دوم تورم» باشد؛ وضعیتی که در آن افزایش هزینه‌های انرژی به سایر بخش‌های اقتصاد سرایت می‌کند و فشارهای تورمی را پایدارتر می‌سازد.



در مقابل، بانک مرکزی اروپا نگران آن است که ادامه سیاست‌های انقباضی و افزایش نرخ بهره، اقتصاد شکننده منطقه یورو را از رشد ضعیف کنونی به سمت رکود سوق دهد. با این وجود، انتظار می‌رود شورای حکام این بانک نرخ سپرده‌گذاری را ۲۵ واحد پایه افزایش داده و به ۲.۲۵ درصد برساند.

تزریق ۱۸۰ هزار میلیارد تومان نقدینگی به اقتصاد

افزایش ۷۱ درصدی وام زیر سایه جنگ

بررسی عملکرد شبکه بانکی در دو ماه نخست سال ۱۴۰۵ نشان‌دهنده یک سیاست پولی هوشمندانه در مقطعی است که اقتصاد ایران تحت تأثیر فشارهای ناشی از شرایط جنگی و بی‌ثباتی‌های محیطی قرار دارد. داده‌های آماری حکایت از آن دارد که اولویت اصلی سیاست‌گذار پولی در این بازه زمانی، حفظ جریان نقدینگی برای ممانعت از توقف چرخ‌های تولید و جبران کاهش قدرت خرید خانوار بوده است.



در فروردین و اردیبهشت سال ۱۴۰۵، مجموع تسهیلات پرداختی به رقم ۱۸۵۶۷.۹ هزار میلیارد ریال رسیده است که در مقایسه با رقم ۱۰۸۱۳.۶ هزار میلیارد ریالی مدت مشابه سال گذشته (پس از تعدیل)، رشدی ۷۱.۷ درصدی را نشان می‌دهد. این افزایش حدوداً ۷۷ هزار میلیارد تومانی در پرداخت وام طی دو ماه، نشان‌دهنده تزریق نقدینگی به بخش‌های مختلف اقتصادی است. از منظر تحلیلی، این حجم از انبساط پولی می‌تواند واکنشی به تورم انتظاری و تلاش برای تأمین هزینه‌های فزاینده تولید در شرایط بحرانی باشد.

در لایه‌های عمیق‌تر این توزیع منابع، رویکردی هدفمند برای حفظ پایداری واحدهای اقتصادی به چشم می‌خورد. تحلیل آمارها نشان می‌دهد که بیش از سه چهارم اعتبارات تخصیص‌یافته (معادل ۷۷.۶ درصد) مستقیماً به سوی صاحبان کسب‌وکار هدایت شده است؛ اما نکته کلیدی نه در حجم، بلکه در «ماهیت» این تسهیلات نهفته است. اختصاص سهم غالب ۸۴.۴ درصدی به «تأمین سرمایه در گردش»، گویای حمایت از فعالیت‌های جاری بنگاه‌های تولیدی است.

تازه‌های اقتصاد
چهارشنبه ۲۰خرداد ۱۴۰۵ شماره ۵۲

تطبیق نقشه ارزی و تجاری

راهبردی برای کاهش هزینه‌های مبادلات خارجی

درشرایطی‌که‌تحریم‌های‌مالی‌ومحدودیت‌دسترسی ایران به شبکه‌های رسمی پرداخت بین‌المللی، مسیر تامین ارز و تجارت خارجی کشور را با چالش‌های متعددی مواجه کرده است، موضوع تطبیق نقشه ارزی با نقشه تجاری بیش از گذشته مورد توجه سیاست‌گذاران قرار گرفته است. موافقان این رویکرد معتقدند همسو شدن مقاصد صادراتی با مبادی وارداتی می‌تواند وابستگی به مسیرهای واسطه‌ای و پرهزینه را کاهش داده، هزینه‌های مبادلات خارجی را کم کند و امنیت تامین کالاهای اساسی را افزایش دهد. درهمین راستا، ایبنا درگفت‌وگو باکارشناسان و مسئولان حوزه تجارت و بازرگانی، ابعاد مختلف تطبیق نقشه ارزی و تجاری و تأثیر آن بر تأمین کالاهای اساسی را بررسی کرده است.

میلاد ترابی فرد کارشناس مرکز پژوهش‌های مجلس در گفت‌وگو با تازه‌های اقتصاد در رابطه با وضعیت قبل از تحریم‌ها گفت: نوع مدیریت مالی بین‌المللی ایران تا پیش از تحریم‌ها بر مبنای اتصال به ارزهای جهان‌روا بود. به بیان دیگر تا سال‌های ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ از طریق سازکارU-Turn یا چرخه دلاری به چرخه مالی بین‌المللی متصل بودیم ویژگی این دوره آن بود که وقتی ایران به این شبکه دسترسی داشت، می‌توانست کالاهای خود را به هر نقطه‌ای از جهان صادر و در مقابل هر کالایی را از هر کشور دیگری خریداری کند این همان کارکرد اصلی ارزهای جهان‌روا بود.

وی ادامه داد:، اما پس از اعمال تحریم‌ها و قطع دسترسی ایران به حداقل سازوکارهای رسمی ارزهای جهان‌روا، که خود را در قالب قطع اتصال ایران به سوئیفت، تحریم بانک‌های ایرانی و تحریم بانک مرکزی نشان داد، کشور تلاش کرد همان دسترسی را از طریق یک مسیر واسطه‌ای یا پروکسی ایجاد کند. در عمل، امارات متحده عربی و ساختار مالی مبتنی بر درهم به این نقش واسطه‌ای تبدیل شد.

ترابی فرد اظهار داشت: از آنجا که درهم ارزی است که به دلار وصل است تا حدودی همان قابلیت‌های دلار را برای ایران فراهم می‌کرد. با این حال، ویژگی این دوره جدید آن بود که به دلیل اتکا به سازکارهای دور زدن تحریم، گروه‌هایی که مدیریت این مسیرها را در اختیار داشتند نقش پررنگی پیدا کردند و همین مسئله هزینه‌های قابل توجهی را به اقتصاد کشور تحمیل کرد و در مواردی مانع از توسعه و پیشرفت اقتصادی‌شد.



ریشه ماندگاری بحران‌های اقتصادی ایران چیست؟

جمال رازقی جهرمی، نائب رئیس اتاق بازرگانی شیراز ، با اشاره به چالش‌های ساختاری اقتصاد ایران اظهارکرد: تا زمانی که سیاست‌های پولی، بانکی و مالی کشور با رویکردهای فعلی دنبال شود، نمی‌توان انتظار بهبود پایدار در شاخص‌های اقتصادی را داشت و ادامه این روند به معنای تشدید مشکلات و نامناسب‌ترشدن شرایط اقتصادی نسبت به گذشته خواهد بود.

وی افزود: حتی در صورت رفع کامل تحریم‌ها نیز نمی‌توان انتظار داشت که اقتصاد کشور به مسیر توسعه و شکوفایی بازگردد، مگر آنکه اصلاحات بنیادین در نحوه حکمرانی اقتصادی صورت گیرد. رفع محدودیت‌های خارجی شرط لازم برای بهبود شرایط است، اما شرط کافی محسوب نمی‌شود و بدون اصلاح ساختارهای داخلی، آثار مثبت آن نیز محدود خواهد بود.

این فعال اقتصادی با تاکید بر ضرورت تغییر اولویت‌های اقتصادی کشور تصریح کرد: محور اصلی سیاست‌گذاری باید بر تولید و صادرات متمرکز شود. در شرایط کنونی نه تولید در جایگاه واقعی خود قرار دارد و نه صادرات به عنوان موتور محرک رشد اقتصادی مورد توجه کافی است. در نتیجه اقتصاد از مسیر توسعه فاصله گرفته و با چالش‌های متعددی مواجه شده است.

وی ادامه داد: یکی از مهم‌ترین مشکلات اقتصاد ایران، کم‌رنگ بودن نقش بخش خصوصی در فعالیت‌های اقتصادی است. در حال حاضر سهم واقعی بخش خصوصی از اقتصاد بسیار محدود است و بخش عمده فعالیت‌ها همچنان در اختیار دولت یا نهادهای وابسته قرار دارد. تا زمانی که دولت و حاکمیت تمایل داشته باشند مدیریت بخش بزرگی از اقتصاد را به صورت مستقیم در اختیار داشته باشند، امکان شکل‌گیری رقابت، افزایش بهره‌وری و رشد پایدار اقتصادی فراهم نخواهد شد.

جهرمی با اشاره به تجربه کشورهای موفق در حوزه توسعه اقتصادی گفت: اقتصاد ایران نمی‌تواند مسیری متفاوت از الگوهای آزموده‌شده جهانی را دنبال کند کشورهایی که امروز به رشد اقتصادی، رفاه و ثبات دست یافته‌اند، بر پایه اصول مشخص اقتصادی حرکت کرده‌اند و نمی‌توان انتظار داشت بدون بهره‌گیری از این تجربیات، نتایج مشابهی حاصل شود.

وی افزود: نمی‌توان چرخ را از نو اختراع کرد. الگوهای موفق اقتصادی در دنیا مشخص است و سیاست‌گذاران باید از این تجربیات بهره بگیرند.

فاصله گرفتن از قواعد پذیرفته‌شده اقتصاد و اتخاذ تصمیماتی که با منطق اقتصادی سازگار نیست، هزینه‌های سنگینی را به کشور تحمیل می‌کند.



تازه‌های اقتصاد
چهارشنبه ۲۰خرداد ۱۴۰۵ شماره ۵۲

هشدار بازار اوراق خزانه به کوین وارش:

نرخ‌ها باید بالاتر بروند



در بازار ۳۱ تریلیون دلاری اوراق خزانه‌داری آمریکا، سیگنال‌ها این روزها از یک چرخش مهم حکایت دارد: سرمایه‌گذاران دیگر صرفاً درباره زمان کاهش نرخ بهره بحث نمی‌کنند، بلکه این پرسش را مطرح کرده‌اند که آیا سیاست پولی فعلی اصلاً به‌اندازه کافی محدودکننده هست یا خیر.

در این شرایط جهش بازده اوراق دوساله خزانه‌داری به سطحی بالاتر از نرخ سیاستی فدرال رزرو، نشانه‌ای است از اینکه معامله‌گران دیگر کاهش نرخ را بدیهی نمی‌دانند و حتی احتمال افزایش مجدد آن را در قیمت‌ها لحاظ کرده‌اند.

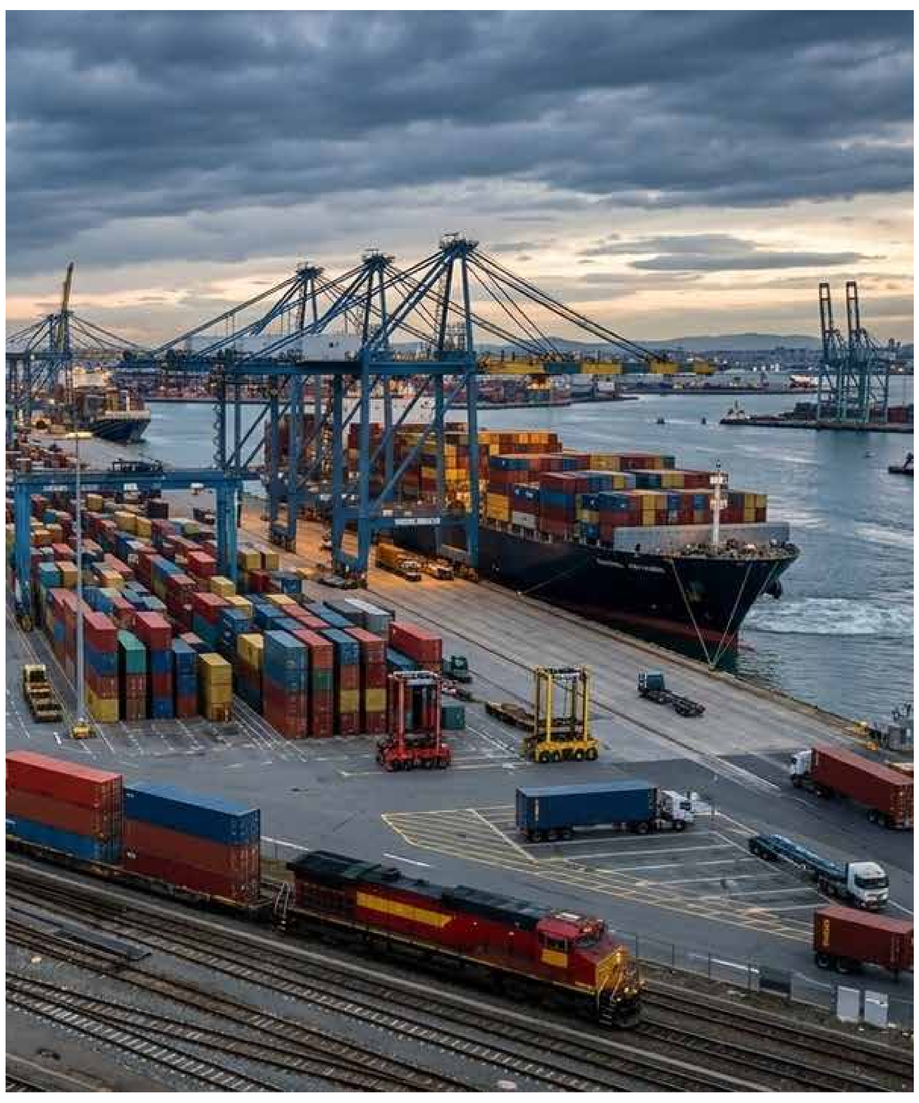
بر اساس گزارش یاهوفایننس، بازده اوراق دوساله خزانه‌داری آمریکا به حدود ۴.۱۵ درصد رسیده؛ سطحی که بالاتر از محدوده فعلی نرخ سیاستی فدرال رزرو، یعنی ۳.۵۰ تا ۳.۷۵ درصد است. این شکاف، فقط یک نوسان معمولی در بازار بدهی نیست. در زبان بازار، چنین واگرایی‌ای معمولاً یعنی معامله‌گران معتقدند نرخ‌های فعلی هنوز با واقعیت اقتصاد هم‌خوان نیستند، یا دست‌کم برای مهار تورم کافی نیستند.

بازار اوراق خزانه‌داری معمولاً زودتر از فدرال رزرو تغییر مسیر را حس می‌کند. در این پرونده نیز پیام بازار روشن است: نرخ بهره ممکن است نه‌تنها کاهش نیابد، بلکه در صورت تداوم داده‌های قوی اقتصادی، دوباره افزایش پیدا کند.

طبق گزارش بلومبرگ، معامله‌گران اکنون دست‌کم یک افزایش ۲۵ واحد پایه‌ای نرخ بهره را از ماه اکتبر قیمت‌گذاری کرده‌اند. این در حالی است که روایت رسمی بازار طی ماه‌های اخیر بیشتر حول محور کاهش نرخ‌ها و نرم‌تر شدن سیاست پولی می‌چرخید.

رؤیای هند در بنادر عربی و جایگاه تزلزل‌ناپذیر ایران

آیا کریدور آیمک نقشه قدرت را تغییر می‌دهد؟



در حالی که جهان بر مدار رقابت قدرت‌های بزرگ می‌چرخد، پروژه‌ای از قلب دهلی‌نو تا بنادر مدیترانه قد علم کرده است که رسانه‌های اقتصادی جهان عرب آن را یک زلزله در جغرافیای سیاسی منطقه نامیده‌اند. کریدور اقتصادی هند، خاورمیانه و اروپا که به اختصار آیمک نامیده می‌شود، تنها یک مسیر ساده برای جابجایی کالا نیست؛ بلکه زنجیره‌ای استراتژیک از راه‌آهن و بنادر است که قصد دارد با دور زدن مسیرهای سنتی، خلیج فارس را به قطب اصلی تجارت جهانی تبدیل کند. اما سوال اساسی اینجاست که در نبرد کریدورها، جایگاه ایران کجاست؟ تحلیل‌های منابع معتبر عربی نشان می‌دهد که برخلاف تصور اولیه، ایران نه تنها از این بازی حذف نشده، بلکه به عنوان یک نقطه تعادل حیاتی باقی مانده است.

تحلیل‌گران مرکز مطالعاتی الجزیره قطر بر این باورند که کریدور آیمک بیش از آنکه یک پروژه اقتصادی باشد، یک بیانیه سیاسی از سوی واشنگتن برای مدیریت نفوذ قدرت‌های منطقه است. با این حال، روزنامه الشرق‌الأوسط در تحلیل‌های اخیر خود به این نکته اشاره می‌کند که حذف ایران از معادلات ترانزیتی، عملیاتی غیرممکن است. کشورهای حوزه خلیج فارس به خوبی می‌دانند که برای دسترسی به بازار بزرگ روسیه و آسیای میانه، هیچ مسیری جایگزین ایران نخواهد شد.

ویدیو



